



اسلام به زنان ظلم کرده؟

پاسخ به دو پرسش پیرامون
ظلم به زن در اسلام

صدرالحسین زاده

قبل از این که به شبهاتی که در این خصوص وارد شده است پرداخته شود، نباید از این موضوع اساسی غفلت شود که هیچ‌گاه از ظواهری همچون مدیریت زن، نباید به ارزشمند بودن یا بی‌ارزش بودن زنان پی برد. بلکه می‌بایست نوع انسان‌شناسی دینی را بررسی کرد و مسئله زن را در این بافت به نظاره نشست. نه این که چون زن در اسلام نصف مرد ارث می‌برد، پس اسلام زنان را تحقیر کرده است. از این رو با پذیرفتن مبانی انسان‌شناسی غربی نمی‌توان مسئله‌ای جزئی از زنان یا مردان را به نقد نشست. بگذارید در این مختصر تنها به دو شبهه بسنده کنم.

● کتک زدن زن

خداوند زنان را تحقیر کرده است. در قرآن گفته شده زنان نافرمان را می‌توان کتک زد. «وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا» معنای این آیه

یکی از ادعاهای عصر جدید برابری حقوق زن و مرد و تساوی ارزشی زن و مرد است. اگر کمی تحقیق کنیم می‌یابیم که این ادعا چقدر با حقیقت فاصله دارد. کافی است برای پی بردن به شعاری بودن این مسئله نگاهی به تبلیغات زنان، کالایی شدن آنان و حتی آمارهایی که از وضعیت نگرش جوامع غربی منتشر می‌شود، بیندازیم. این که زنان صرفاً حضور اجتماعی داشته باشند فارغ از چگونگی آن هیچ ارزشی ندارد. باید دید در ورای نگاه جامعه، چه تفسیری وجود دارد. غرب بهشت زن نیست؛ اما این عنوان مسئله این یادداشت نیست. این یادداشت در واقع سعی می‌کند به بخشی از اتهام‌هایی که به تفسیر اسلامی از زن وارد شده است بپردازد. شبهه این است که در اسلام زن تحقیر شده است. خوار است. زبردست است و هزار تحقیر دیگر.

بی عقلی و کم خردی نیست. از نظر حضرت علی علیه السلام عقل دو نوع است عقل طبیعی و خدادادی و عقل اکتسابی. مراد ایشان هم آن است که نقصی هم اگر باشد در حیطة عقل تجربی است نه این که زنان به کلی ناقص العقل باشند؛ اما عقل تجربی چیست؟ عقل تجربی همان عقل ابزاری است که از آن به عقل معاش نیز تعبیر می شود. عقل تجربی حیطة اش در مسائلی همچون مدیریت و سیاست است. آیت الله جوادی آملی در این خصوص می فرماید: «آن عقلی که ممکن است در مرد بیش از زن باشد، عقل علوم سیاست و کارهای اجرایی است و اگر کسی در مسائل سیاسی و اجرایی عاقل تر و خردمندتر بود، نشانه آن نیست که به خدا نزدیک تر است. چه بسا همین هوش سیاسی یا علمی او را به جهنم بکشاند. چه بسا مردی در علوم اجرایی بهتر از زن بفهمد، اما توان تعدیل و عقال کردن غرایز خویش را نداشته باشد».^۵ در روایات دلیل این که چرا شهادت دو زن معادل شهادت یک مرد است را همین نقص در عقل دانسته اند؛ چه این که غلبه احساسات در زنان بیشتر است و ممکن است مصالح عمده نادیده انگاشته شوند. باید توجه داشت که مردان نیز نقص عقل دارند؛ اما آنچه حضرت به آن اشاره دارد مسئله غلبه است. مردان بیشتر عاقبت اندیش اند و این مسئله برای زنان این گونه نیست و البته هم این غلبه امری ناپسند نیست؛ بلکه لازمه طبیعت زن است. خلاصه آن که تفاوت زن و مرد در عقل ابزاری است. در منظومه معرفتی اسلام، عقل ابزاری، مایه تقرب به خدا نیست؛ زیرا این عقل بیشتر ناظر به امور اجرایی و مسائل سیاسی است و این نشانه آن نیست که اگر کسی در مسائل مدیریتی، سیاسی، اقتصادی، علمی و... عقل بیشتر و قوه درک وسیع تری داشت، به خدا نزدیک تر است.

پی نوشت ها:

۱. نساء، ۳۴.
۲. الدال المنثور، ج ۲، ص ۵۲۲.
۳. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۲۱.
۴. مهار.
۵. زن در آینه جلال و جمال، ص ۲۵۱.

نه این که حکمی کلی در مورد جواز ضرب و شتم همه زنان باشد. «ناشز» و «ناشزه» به مرد و یا زنی گفته می شود که حقوق واجب و وظایفی شرعی را نسبت به همسرش رعایت ننماید. این آیه دستورالعملی برای زنان ناشزه است. می فرماید اگر مردی از این که زن متمرد گردد و زیر بار حقوق اساسی و شرعی نرود ابتدا باید وی را نصیحت کند. سپس از هم خوابگی با وی بپرهیزد. اگر این مراتب فایده نداشت و امید این هست که بتواند با تنبیه سرکشی او را کنترل کند، می تواند او را کتک بزند. باید دقت کرد که این کار از روی انتقام یا خشم نیست؛ بلکه می بایست به منظور اصلاح رفتار زن باشد. اگر مرد نیز ناشز باشد زن وی را نصیحت می کند. اگر فایده نداشت می تواند به نزد حاکم شرع شکایت کند.

اما در مورد کیفیت این ضرب هم در روایات مسائلی مطرح شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این خصوص می فرماید: این کتک زدن نباید به گونه ای باشد که اثرش ظاهر باشد.^۲ امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: مقصود از «اضْرِبُوهُنَّ»، زدن با چوب مسواک و شبیه آن است، زدنی که از روی رفق و دوستی باشد.^۳ در روایتی دیگر نیز امام باقر علیه السلام ملاک چوب مسواک را به کار برده اند. پس روشن می شود که این اتهام اتهامی واهی به ساحت قرآن کریم و دین مبین اسلام است.

● نقصان عقل زن

شبهه دیگری که مطرح شده آن است که از نظر اسلام زنان از عقل بهره اندکی دارند و در مقایسه با مردان، قوه درک و فهمشان ناقص است. در روایتی از حضرت علی علیه السلام نقل شده که زنان ناقص العقل هستند. متأسفانه یکی از مواردی که بسیار اتفاق می افتد آن است که کلمه ای در بافتی از نظام معنایی که به آن تعلق دارد به گونه ای معنا می شود؛ اما اگر نظام معنایی دیگر تعریف کنیم و فقط به لفظ این کلمه بسنده شود، معنایی متفاوت از آن را در خواهیم یافت. یکی از همین موارد کلمه عقل است. در بافت روایت عقل معنایی دیگر دارد و در برابر

آن است که و زنانی که از نافرمانی آنان (در حقوق همسری) بیمناکید باید نخست آنان را موعظه کنید و (اگر مطیع نشدند) از خوابگاه آنان دوری گزینید و (اگر باز مطیع نشدند) آنان را با زدن تنبیه کنید، چنانچه اطاعت کردند دیگر راهی بر آن ها مجوید که همانا خدا بزرگوار و عظیم الشأن است. قائلان به شبهه می گویند مگر زنان حیوان هستند که می توان آن ها را کتک زد. در جواب این شبهه باید گفت که بسنده کردن به چند کلمه همان اشتباهی است که گوینده این سخن دارد. این آیه در واقع چگونگی رفتار با زن ناشزه را بیان می کند.